



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره‌مفیدی

موضوع کلی: جوامع روایی ثانوی
موضوع جزئی: روش صاحب وسائل در نقل اسناد و متون روایات
سال: دوم
تاریخ: ۷ اسفند ۱۳۹۰
مصادف با: ۴ ربیع‌الثانی ۱۴۳۳
جلسه: ۲۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در کتاب وسائل الشیعه بود، مطالبی درباره خود کتاب و مؤلف آن بیان شد، مطالب دیگری در مورد این کتاب باقی مانده که عمدتاً مربوط به روش صاحب وسائل در نقل روایات و اسناد آنهاست، البته ما در بحث مستقلی تحت عنوان مزایا و معایب کتاب وسائل الشیعه به مزایا و مشکلات این کتاب اشاره خواهیم کرد. مزایا؛ یعنی خصوصیات که در این کتاب وجود دارد و در سایر کتب نیست. وقتی هم سخن از اشکالات کتاب به میان می‌آید منظور نقص‌هایی است که در این کتاب وجود دارد. البته این به این معنی نیست که این نقص‌ها در سایر کتب نباشد؛ چون ممکن است در بقیه کتب هم این اشکالات وجود داشته باشد. قبل از این که به مزایا و معایب کتاب وسائل الشیعه بپردازیم خوب است با روش صاحب وسائل در نقل روایات و اسناد آنها آشنا شویم. البته این روش می‌تواند مشترک با مؤلفین جوامع روایی گذشته باشد و اختصاص به ایشان ندارد.

روش صاحب وسائل در نقل اسناد و متون روایات:

به طور کلی در کتاب وسائل الشیعه عناوین ابواب توسط خود صاحب وسائل فهرست شده است، عرض کردیم فهرستی که در ابتدای وسائل آمده توسط خود صاحب وسائل تنظیم شده است. ایشان در ذیل عنوان هر باب ابتدا روایات و احادیثی را ذکر کرده که از حیث دلالت و سند اقوی از سایر روایات است، سپس به ترتیب قوت دلالتی و سندی، روایات دیگر را نقل کرده تا می‌رسد به جایی که روایات از قوت دلالتی و سندی کمتری برخوردار هستند یا حتی ممکن است ضعیف باشند و در آخر هم روایات متعارض را ذکر کرده‌اند، اینکه در نقل روایات این ترتیب لحاظ شود در کافی هم واقع شده و ما قبلاً در مورد کتاب کافی به این مطلب اشاره کردیم.

از جمله کارهای دیگر صاحب وسائل این است که اگر در مواردی در متن روایت اختلاف باشد معمولاً آن متنی را که کامل‌تر است نقل و بعد به اختلاف متون اشاره می‌کند، بهر حال در نقل روایات اختلاف وجود دارد و اگر روایت متعدد باشد روایت عبارات مختلفی را نقل می‌کند، گاهی روایات به حسب ظاهر متعدد است ولی فی الواقع متعدد نیست. ولی یک روایت ممکن است به چند عبارت نقل شده باشد که صاحب وسائل متنی را که کامل‌تر است ابتدا ذکر می‌کند و سپس به اختلافی که در متن وجود دارد اشاره می‌کند.

کار دیگری که صاحب وسائل انجام داده این است که سعی کرده از تکرار احادیث پرهیز کند و اگر هم روایت را در جایی نقل کرده باشد می‌گوید ما این روایت را در گذشته هم ذکر کرده‌ایم یا در آینده هم خواهیم آورد و احادیث را تکرار نمی‌کند و فقط به گذشته یا آینده ارجاع می‌دهد.

مهمترین مشکل کتاب وسائل الشیعه تقطیع روایات است، صاحب وسائل در موارد زیادی برای جلوگیری از تطویل، روایات را تقطیع کرده و حتی به تقطیع آنها هم اشاره نکرده؛ یعنی اگر خواهیم به برجسته‌ترین مشکل کتاب وسائل اشاره کنیم همین مسئله تقطیع روایات است که بعداً در بخش مشکلات کتاب وسائل بیشتر به آن خواهیم پرداخت، منظور از تقطیع این است که صاحب وسائل هر قسمت از روایت را که مربوط به باب مورد نظر بوده آورده و صدر و ذیل روایت را نیاورده و به تقطیع هم اشاره نکرده لذا این کار باعث شده بسیاری از قرائن موجود در روایت که به فهم و دلالت روایت کمک می‌کند مخفی بماند و این مشکل بزرگی است که قابل اغماض نیست.

صاحب وسائل متخصص رجال بوده؛ یعنی در علم رجال و درایه اهل فن محسوب می‌شده اما با وجود اینکه خودش صاحب نظر بوده در مقام نقل اسناد روایات، رعایت امانت را کرده؛ یعنی وقتی می‌خواهد سند یک روایتی را بیان کند علیرغم اینکه ممکن است خود او نسبت به قسمت‌هایی از سند اشکال داشته باشد اما وقتی در مقام نقل است عین همان سندی را که در کتاب مصدر وجود دارد نقل می‌کند و البته بعضاً اگر اشکالاتی در سند روایت به نظرشان بیاید در کنار آن یک سند صحیح را مثلاً با تعبیر کذا یا با علامت رمز «خ ل» یعنی نسخه بدل اشکال سند را مورد اشاره قرار می‌دهد. ایشان با وجود امانت داری در نقل اسناد، سندها را هم مختصر کرده است. وی برای اختصار سند چند کار انجام داده است:

یکی از کارهایی که ایشان برای اختصار در سند انجام داده این است که نحوه تحمل و نقل روایت را حذف می‌کند چون گاهی در مقام نقل روایات تعابیر مختلفی بکار می‌رود؛ مثلاً می‌گوید أخبرنا، حدثنا، قال و... البته ما بعداً راجع به طرق تحمل روایت بحث خواهیم کرد که چند طریق برای تحمل و اخذ روایات وجود داشته است، ایشان این تعابیر را از اسناد حذف کرده و در مورد اشخاصی هم که نام آنها در سند روایت آمده به حداقل‌هایی که معرف آن اشخاص بوده اکتفاء کرده؛ یعنی صرفاً به ذکر نام راوی اکتفاء کرده و از ذکر القاب، کنیه‌ها و امثال آن خود داری کرده است که ما در اینجا به یک نمونه اشاره می‌کنیم؛ مثلاً بجای اینکه بگوید: عبدالله بن جعفر حمیری فقط به عنوان حمیری اکتفاء کرده البته حذف القاب و کنیه‌ها تا جایی است که موجب اشتباه و اختلاط نشود؛ یعنی اگر عنوانی مشترک بین چند نفر باشد حتماً قرینه‌ای که آنها را از هم جدا کند ذکر کرده است. پس صاحب وسائل برای اختصار در اسناد روایات از ذکر بعضی تعابیر و همچنین القاب و کنیه‌ها خود داری کرده ولی سندهای روایاتی که در مصادر خودش وجود داشته بعضاً به صورت ناقص یا کامل نقل شده است، بنای بعضی از صاحبان جوامع روایی مثل مرحوم کلینی بر این بوده که اسناد را به نحو کامل ذکر کنند اما بنای شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه و شیخ طوسی در تهذیبین بر خلاف مرحوم کلینی بر حذف اسناد بوده

لذا در آخر این کتب بخشی به نام مشیخه آورده شده که طرق اتصال روایت را تا معصوم از کسی که نقل کرده‌اند بیان می‌کنند، یک سوم روایات کتاب من لایحضره الفقیه احادیثی است که به صورت مرسل نقل شده ولی معروف است که می‌گویند مرسلات شیخ صدوق مثل مسانید اوست؛ چون فی الواقع این احادیث مرسل نیست و مرحوم شیخ صدوق به جهت اختصار، اسناد روایات را در متن کتاب ذکر نکرده و در بخش آخر کتاب که مشیخه کتاب است اسناد کامل روایات را آورده است.

اما روش صاحب وسائل این است که اگر در مصدر اصلی، سند ناقص نقل شده باشد او هم به همان شکل نقل کرده و اگر کامل نقل شده باشد ایشان هم سند را به طور کامل نقل کرده است؛ چون هدف ایشان این بوده که حفظ امانت شود لکن در خاتمه کتاب برای تکمیل اسنادی که ناقص آورده شده‌اند بخشی از اسناد مشیخه تهذیبین و فهرست را آورده تا این کمبود جبران شود.

سؤال: شما از یک طرف فرمودید صاحب وسائل در ذکر اسناد روایات به حداقل‌ها اکتفاء کرده و از ذکر القاب و کنیه‌ها خود داری نموده است و از طرف دیگر می‌فرمایید سند را طبق مصدر اصلی نقل کرده‌اند؛ یعنی اگر سند کامل نقل شده ایشان هم به طور کامل نقل کرده و اگر ناقص نقل شده ایشان هم ناقص نقل کرده است و این دو با هم سازگار نیست.

استاد: اینکه صاحب وسائل اسناد را به همان شکلی که در مصدر اصلی نقل شده نقل می‌کنند از باب رعایت امانتداری بوده است و این کار منافات با مختصر کردن سند از طرف ایشان ندارد؛ چون اختصار در سند غیر از نقص سند است و این دو با هم منافات ندارد؛ چون ممکن است سندی کامل باشد ولی مختصر باشد و در مقابل، سندی طولانی باشد ولی ناقص باشد، اختصار در سند؛ یعنی حذف الفاظ غیر ضروری که به اتصال سند هیچ آسیبی نمی‌رساند پس اینکه می‌گوییم صاحب وسائل در ذکر سند به حداقل‌ها اکتفاء کرده منظور این است که الفاظ غیر ضروری اسناد را حذف کرده اما اتصال سند حفظ شده است.

بهرحال صاحب وسائل روایاتی را که نقل می‌کند گاهی از کتب اربعه و گاهی از غیر کتب اربعه است، در روایاتی که از کتب اربعه نقل شده ابتدا نام مؤلفان آن کتب آورده شده؛ مثلاً می‌گوید: محمد بن یعقوب عن فلان که منظور از محمد بن یعقوب مرحوم کلینی است و یا می‌گوید: محمد بن علی بن الحسین که منظور شیخ صدوق است و یا می‌گوید: محمد بن الحسن که منظور شیخ طوسی است، پس صاحب وسائل در روایاتی که از کتب اربعه نقل می‌کند نام مؤلف کتاب را ذکر می‌کند و نام کتاب را ذکر نمی‌کند اما در مورد غیر کتب اربعه هم نام مؤلف و هم نام کتاب را ذکر می‌کند.

در بعضی از موارد هم صاحب وسائل از یکی از کتب اربعه روایت نقل می‌کند بعد به دنبال آن از همان کتاب چند روایت دیگر را نقل می‌کند که در این صورت که چند روایت دیگر را از همان کتاب نقل می‌کند نام مؤلف را تکرار نمی‌کند بلکه فقط می‌گوید: عنه، در این مواردی که از تعبیر عنه استفاده کرده باید به روایت قبل از آن روایت رجوع شود تا سند اولیه روایت مشخص شود، برای اینکه مطلب روشن شود به این نمونه توجه کنید؛ مثلاً در یک سندی آمده: محمد بن الحسن

بإسناده عن موسى بن القاسم عن ابن أبي عمير عن حماد عن الحلبي قال: سئلت أبا عبد الله (ع)... كه محمد بن الحسن (شيخ طوسي) از طريق موسى بن قاسم نقل می‌کند، در روایت بعد می‌گوید: و عنه عن محمد بن سهل عن ابيه عن ادریس بن عبدالله قال: سئلت أبا عبد الله (ع)، باز در روایت بعدی می‌گوید: و عنه عن صفوان بن يحيى عن معاوية بن عمار عن أبي عبدالله (ع)... این سه روایت با هم مختلفند لکن در اولی محمد بن الحسن بإسناده عن موسى بن القاسم آمده ولی در روایت دوم و سوم فقط می‌گوید: و عنه عن...، عنه در این دو روایت اخیر به محمد بن الحسن بإسناده عن موسى بن القاسم برمی‌گردد؛ یعنی محمد بن الحسن از طریق موسى بن القاسم روایت را نقل می‌کند که از این روش به تعلیق در سند تعبیر می‌کنند؛ یعنی این دو روایت اخیر هم، از کتاب شیخ طوسی نقل شده است پس ضمیر عنه در ابتدای این دو سند اخیر به موسى بن قاسم برمی‌گردد.

بحث جلسه آینده: مزایا و اشکالات کتاب وسائل الشیعه را انشاء الله در جلسه آینده اشاره خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»